

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسُ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمُ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جَوْدِ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ

در سفارشی به فرزند خود امام مجتبی علیه السلام فرمودند: فرزندم! آیا چهار نکته به تو نیاموزم که با رعایت آنها از طیبیب بی نیاز شوی؟ عرض کرد: چرا، ای امیر مؤمنان. حضرت فرمودند: تا گرسنه نشده ای غذا نخور و تا اشتهای داری از غذا دست بکش و غذا را خوب بجو و قبل از خوابیدن قضای حاجت کن. اگر این نکات را رعایت کنی، از مراجعه به طیبیب بی نیاز می شوی.

خصال ص 229

فراتر از یک پدیده، جریانی به نام جریان طب اسلامی در کشور شکل گرفته و در گوشه و کنار، سخن از صحت و سقم آن گفته می شود. و بنده به دنبال درخواست های مکرر از اینجانب و طبق وعده ای که داده ام، نکاتی در این مساله بیان می کنم و قبل از آن، این نکته را یادآور می شوم که ورود من به محتوای مسائل طبیبی نیست چرا که در تخصص بنده نیست و آنچه بیان می شود آسیب شناسی این جریان از منظر اجتماعی و دینی است.

اصل ورود به روایاتی که با عنوان مسائل طبیبی داریم، ورودی صحیح و ممدوح است و بی انصافی است که آن را با هواپیمایی اسلامی و جاده کشی اسلامی هم ردیف کرده و آن را به نقد بکشیم، این بی انصافی و نوعی لجاجت است، با وجود این اسناد، طب اسلامی داریم چنانکه طب مسلمین نیز داریم و آن طبیبی است که در تمدن اسلامی بالنده شده است و فعالیت های ابن سینا و زکریای رازی را از فقه مسلمین می توان شمرد.

اصل این ورود ممدوح است ولی آسیب هایی در این میان است که عدم توجه به آن، مفاسدی را لازم می آورد و اجتناب از آن لازم است، برخی از این آسیب ها به شرح ذیل است:

1. پشت پا زدن به دست آوردهای پزشکی بشری

شاید بارها از بنده شنیده باشید حکایت افرادی را که هرگاه قصد مدح مساله یا موضوعی را دارند باید پیش از آن چند مرگ و چند سیلی به مسائل و موضوعات دیگر بزنند تا بتوانند مدح مساله ای کنند یا از ضرورت آن سخن بگویند در حالی که میان این دو ملازمه ای نیست و هر چیزی به جای خویش نیکوست.

در جریان طب اسلامی و برای تبیین آن، لزومی ندارد که دست آوردهای پزشکی بشری نفی شود تا طب اسلامی اثبات شود، خیر. نه مرعوب پزشکی روز باید بود و هر چه هست را وحی منزل دانست چنانکه دلباختگان غرب، باور دارند و نه همه دستاوردهای آن را ندید گرفت، باید دانست که دو لبه قیچی افراط و تفریط با یکدیگر سر سازش دارند و آن چیزی که در میان آنها بریده می شود، ساقه بارور عدالت و انصاف است.

2. نسخه پیچی جازمانه

پزشکی و درمان، مساله ای پیچیده و چند ضلعی است و تشخیص مساله آن دشوار است به ویژه آنکه یک سری از اطلاعات بر اثر اظهار اطلاعاتی از سوی بیمار است و حس و بیان بیمار، گاه دقیق نیست و خلاف واقع است مانند برخی که دندان درد دارند، اما منشأ درد را دندان‌ی سالم می‌پندارند. مساله تشخیص اشتباه، وقتی تجویز اشتباه را به دنبال دارد و تجویز را به نام ائمه علیهم السلام نامگذاری می‌کنند وقتی پاسخ نمی‌دهد، منجر به بی‌اعتقادی می‌شود، باید از نسخه پیچی‌های جازمانه به نام اهل بیت ع پرهیز کرد.

3. ورود روحانیت به این عرصه

الان در درون روحانیت و در برخی مساجد، شاهد این تصدی طب اسلامی و گاه طب‌های دیگر، از طرف روحانیون هستیم و گاه زمان زیادی را برای این مساله صرف می‌کنند. ولی باید بدانند که در اولویت‌های دانشی یک طلبه پرداخت به این قسم از مسائل با وجود دانش‌های تفسیر، کلام، فقه، اصول، تاریخ اسلام و... ناصحیح است و این مسائل از بخش‌های بنیادین دین نیست.

طلبه ای را برای تبلیغ به جایی معرفی کردم و بعد متوجه شدم که به این مسائل روی آورده و خانمی که سرطان داشته را تحت درمان گرفته و سرطان بیمار، شدید شده و پزشکان در چرایی این پیشرفت، عدم مراجعه به متخصص را فهمیدن و از طرف دیگر همسر آن خانم نیز معترض آن روحانی شد و قصد شکایت داشت. خوب است که هرکس به کار خود مشغول باشد و روحانی یک مسجد، مسئولیت‌های بزرگی دارد که اگر صحیح انجام دهد، زندگی مردم را بهبود می‌بخشد.

4. مایه هجمه به دین، فراهم نشود

امروزه که بر سر علوم انسانی اسلامی، در کشور مسائل داغ است و هر کس به طرفی می‌کشد، بسیار باید حساب شده و با منطق عمل کرد که تا خدایی نا کرده انسان مایه هجمه به دین خدا، که امانت الاهی به دست ماست را فراهم نکند.

مثلا اینکه گفته شود نیازی به اصول کشاورزی در بخش آفت زدایی نداریم، چرا که در روایات آمده است که آفت از عدم پرداخت زکات است و اگر زکات پرداخته شود نیازی به آفت زدایی و مدیریت گیاهان نیست و هیچ آفتی روی نمی‌دهد، این برداشتی ناصحیح است چرا که آنچه در روایات آمده به عنوان مقتضی و علت ناقصه است نه آنکه تمام علت آفت زایی، عدم پرداخت زکات است، لذا اینگونه اظهارات در مقابل جامعه جهانی، مایه هجمه به دین را فراهم می‌کند و نباید صادر شود. این نوع برداشت‌ها را اخباری‌گری افراطی و یا سلفی شیعی می‌توان نامید که از بایسته‌های فهم نصوص دینی به دور است. برداشت صحیح از نصوص و استنباط، سال‌های تحصیل مقدمات و سال‌ها مجاهدت علمی می‌خواهد نه هر که سر بتراشد، قلندری داند، برخی چنان خام اندیشند که گمان می‌کنند با دو سال درس خواندن انسان مجتهد می‌شود، چه بسا گمان کرده‌اند که اجتهاد را چون آمپولی می‌توان به افراد تزریق کرد!!!

در پایان عرض می‌کنم که پرداخت به روایات طبی موجود در اسناد، بایسته‌هایی را می‌طلبند که برخی از آن عبارت است از:

1. افراد خاص
2. شرایط خاص
3. محدود
4. غیرجازمانه
5. غیر مرعوب
6. با احترام به دست آوردها
7. با برنامه‌ای نهادیه

همت بر آن بود تا با رعایت انصاف برخی از آسیب ها را بیان کرده باشم.